

مدل مفهومی مطلوب امنیت غذایی جمهوری اسلامی ایران در منظومه اقتصاد مقاومتی

مصطفی سمیعی نسب^۱

یاسر سلیمانی^۲

سعید عبدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۳/۲۷

فصلنامه آفاق امنیت / سال نهم / شماره سی ام - بهار ۱۳۹۵

چکیده

انقلاب اسلامی ایران که داعیه‌دار آرمان‌های اقتصادی دین مبین اسلام است، در برهه کنونی با جنگ اقتصادی و تحریم دشمن مواجه شده و راهکار ارائه شده از سوی رهبری انقلاب، نظریه اقتصاد مقاومتی است که باید در عرصه‌ها به صورت خاص بررسی شود. همچنین با توجه به اینکه مقوله امنیت غذایی از حساسیت و اهمیت بسزایی در مقاومت نظام اقتصادی برخوردار است، استخراج و اعمال سیاست‌های بهینه با حداقل آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و متناسب با رویکردهای اقتصادی مقاومتی لازم‌الاجراست. در این مقاله با توجه به اجرای سیاست‌ها و بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های امنیت غذایی با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی به بررسی رویکردهای اقتصاد مقاومتی و تدوین آنها پرداخته شده و در نهایت رویکردهای مرتبط و شاخص‌های بهینه که کمتر مورد توجه بوده، استخراج شده است. همچنین با روش آماری توصیفی، ناکارآمدی بیشتر سیاست‌ها و قوانین حوزه امنیت غذایی آسیب‌شناسی شده و با استفاده از روش تحلیل مضمون، رویکردهای ناظر بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بررسی شده که به استخراج مدل مفهومی امنیت غذایی در منظومه اقتصاد مقاومتی انجامیده است. در نهایت مدل مفهومی امنیت غذایی که شامل شاخصه‌های اجرایی مقاوم‌سازی امنیت غذایی است، در پیشبرد اهداف مقاوم‌سازی امنیت غذایی کشور تدوین شده است.

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی، امنیت غذایی، رویکردهای مقاومتی

۱. استادیار اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع).

۲. دانشجوی دکتری علوم اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع).

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه امام صادق(ع).



مقدمه

برای تبیین و فهم اقتصاد مقاومتی و لزوم آن لازم است با چند مقدمه به مسئله ورود پیدا کرد. اولین نکته این است که مفهوم مقاوم بودن یک مفهوم طیفی و مفهومی مطلق و دارای اندازه‌ای مشخص نیست. دیگر اینکه اقتصاد مقاومتی قبل از دین و نقل، یک مفهوم عقلی است. شاهد این مدعا یک اصل عقلی است که در هر جای دنیا اصل بر استحکام، مقاومت و قوام است. با نگاهی به سایر اقتصادهای دنیا نیز متوجه خواهیم شد که تمام آنها همواره سعی در مقاوم‌سازی بافت‌ها و ساختارهای خویش داشته‌اند و این امر با تکامل دانش، همواره در مسیر خود رو به پیشرفت بوده است؛ بدین معنا که جهت‌گیری تمام تئوری‌های جدید، نیل به این هدف، یعنی قوام و مقاوم‌سازی است. به این مفهوم، استفاده از تجربیات سایر کشورها برای مقاوم‌سازی بافت‌های اقتصادی کشور لازم می‌نماید. مقام معظم رهبری نیز در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی چنین فرمودند: «تکیه بر ظرفیت‌های داخلی به معنای چشم بستن از امکانات کشورهای دیگر نیست، بلکه نظام اسلامی در کنار اتکا به داشته‌های داخلی، از امکانات کشورهای دیگر نیز استفاده حداکثری خواهد کرد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). بنابراین اقتصاد مقاومتی یک برنامه کوتاه‌مدت نیست، بلکه یک فرایند و راهبرد کلان است و مربوط به دوره تحریم نخواهد بود، بلکه اگر تمام هجمه‌ها پایان یابند و نیز با لحاظ کردن شرایط مکانی - زمانی، باز هم تمامی عناصری که در سند سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی وجود دارد، جزو برنامه‌های کشور خواهد بود و باید به این سیاست‌ها به عنوان یک راهبرد توجه کرد. به عبارت دیگر جریان اقتصاد مقاومتی، یک جریان سیاست‌زده کوتاه‌مدت ایدئولوژیک سیاسی نیست و شاهد و گواه این مطلب را حتی در ادبیات متعارف اقتصادی نیز می‌توان دنبال

۱. «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۰۵/۱۶).

- «البته اقتصاد مقاومتی فقط جنبه نفي نیست؛ این‌جور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند» (همان).

- «مجموعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی ماست؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ماست... که این مربوط به وضع کنونی و شرایط کنونی کشور نیست. این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است؛ می‌تواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه مسائل اقتصادی برآورده کند؛ می‌تواند مشکلات را برطرف کند؛ در عین حال پویا هم هست؛ یعنی ما این سیاست‌ها را به صورت یک چارچوب بسته و متحجر ندیده‌ایم، قابل تکمیل است، قابل انطباق با شرایط گوناگونی است که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان پیش بیاید و عملاً اقتصاد کشور را به حالت «انعطاف‌پذیری» می‌رساند؛ یعنی شکنندگی اقتصاد را در مقابل تکانه‌های گوناگون برطرف می‌کند» (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).



کرد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. نمودار ۱ به ارائه و معرفی چارچوب مفهومی الگوی اقتصاد مقاومتی می‌پردازد.



نمودار ۱- مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی

در توضیح مدل مفهومی ارائه‌شده در نمودار ۱ به اختصار باید گفت برای نیل به یک الگوی بومی و به عبارتی ایرانی- اسلامی از اقتصاد مقاومتی به چهار رکن نیاز است: ۱. قرآن و سنت (مابقی ارکان دارای رابطه طولی با این رکن هستند)؛ ۲. آرا و اندیشه رهبران انقلاب اسلامی؛ ۳. دانش و تجارب بشری؛ ۴. در نظر گرفتن شرایط و اقتضات زمانی اقتصاد ایران. با توجه به موضوع، این مقاله به دنبال تبیین موضوع امنیت غذایی، با توجه به بند هفتم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و با در نظر گرفتن ارکان مذکور است؛ بنابراین ابتدا به تبیین رویکردهای حاکم بر اقتصاد مقاومتی با توجه به مبانی علمی- اقتصادی می‌پردازد و سپس ادبیات امنیت غذایی را مرور می‌کند. در ادامه با ترسیم وضع موجود در حوزه امنیت غذایی و توجه به سیاست‌ها و رویکردهای اقتصاد مقاومتی، مدل مفهومی مطلوب امنیت غذایی جمهوری اسلامی ایران را ارائه می‌کند.

پیشینه تحقیق

درباره پیشینه و مطالعات انجام‌شده در حوزه امنیت غذایی می‌توان به اهم آنها که با محوریت مسائل جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است، اشاره کرد. در تحقیقی توسط خضری (۱۳۸۳) که با عنوان «امنیت غذایی و امنیت ملی» انجام شده است، ابعاد مختلف موضوع ناامنی غذایی بر ارزش‌های ملی در سه حوزه مختلف «ناامنی

موجودی غذایی»، «ناامنی دسترسی به غذا» و «ناامنی استفاده از غذا» مورد بررسی قرار گرفته و جهت اندازه‌گیری امنیت غذایی، شاخص‌هایی نیز در سه حوزه یادشده ارائه شده است. در این تحقیق همچنین «ضریب خودکفایی محصولات غذایی» به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش امنیت غذایی معرفی شده است.

گستره مطالعات انجام‌شده و مرتبط با امنیت غذایی نیز بخشی به صورت مطالعات مستقیم و با عنوان عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در سطح ملی و استانی انجام شده یا به صورت بخشی با عنوان ارزیابی سیاست‌های مختلف و مؤثر بر امنیت غذایی مد نظر قرار گرفته است. از مهم‌ترین مطالعات مستقیم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در تحقیقی که شیرانی بیدآبادی و احمدی کلیجی (۱۳۹۲) انجام داده‌اند، عملکرد تغذیه‌ای خانوارها برای تشخیص میزان دسترسی غذا بررسی و با استفاده از سه شاخص مختلف، وضعیت امنیت غذایی مناطق روستایی کشور محاسبه شده است. بر اساس این تحقیق، دهک‌های پایین درآمدی، تغذیه‌ای قابل قبول ندارند و مواد مغذی مناسبی در اختیارشان نیست؛ همچنین گروه‌های کم‌درآمد در مقایسه با گروه‌های پردرآمد تنوع کمتری در مصرف اقلام خوراکی دارند. در این مطالعه توصیه شده است که دولت نظام پرداخت یارانه را بر اساس کالاهای اساسی تنظیم کند.

جعفری ثانی و بخشوده (۱۳۸۶) به بررسی فقر و ناامنی غذایی در استان گلستان پرداخته‌اند. خانوارهایی در این استان زندگی می‌کنند که با وجود دریافت کالری لازم، از دستیابی به پروتئین مورد نیاز روزانه محروم‌اند.

در مطالعه خداداد کاشی و حیدری (۱۳۸۳) با استفاده از شاخص امنیت غذایی توده خانوار، سطح امنیت غذایی خانوارهای ایرانی محاسبه شده که براساس این تحقیق، روند امنیت غذایی خانوارهای ایرانی طی سال‌های ۷۹-۱۳۶۴ افزایشی بوده است.

در مطالعه‌ای دیگر که مهرابی بشرآبادی و موسوی محمدی (۱۳۸۹) انجام دادند، سیاست‌های حمایتی قیمتی و نهاده‌ای از بخش کشاورزی بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۲ محاسبه و مشخص شده است که در اکثر سال‌ها از کشاورزان حمایت‌های قیمتی منفی انجام شده است. از سوی دیگر این مطالعه نشان می‌دهد که این حمایت‌ها در کوتاه‌مدت بر امنیت غذایی خانوارها اثر مثبت دارد، اما در بلندمدت اثر مثبت ندارد. در همین راستا برای افزایش «شاخص کلی امنیت غذایی

خانوارهای روستایی» موضوع خرید تضمینی محصولات موجب بهبود وضعیت امنیت غذایی روستاییان می‌شود.

در مطالعه‌ای دیگر که مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۸) انجام داده، استراتژی دستیابی به امنیت غذایی تبیین شده است که طی آن نیازهای اساسی و توسعه انسانی با عنوان مدل PEDA ارزیابی شده است. این مدل ارتباط متقابل بین شاخص‌های جمعیتی^۱، محیط‌زیستی^۲، معیارهای توسعه اقتصادی - اجتماعی^۳ و کشاورزی^۴ را دربرمی‌گیرد و اساس آن نیز بر الگوی دور باطل است؛ بدین صورت که فقر، بی‌سوادی و ناامنی غذایی موجب تخریب محیط زیست می‌شود که این موضوع نیز خود باعث افزایش ناامنی غذایی خواهد شد. در این مطالعه پیش‌بینی اجرای سیاست‌های موصوف در چشم‌انداز توسعه بخش کشاورزی بر وضعیت امنیت غذایی در سه سناریو طی دوره بیست ساله ۱۴۰۴-۱۳۸۴ بررسی شده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که تحت دو سناریوی آرمانی و مطلوب، سهم جمعیت فاقد امنیت غذایی با آهنگ رشد ۲٫۲۸ درصد در سال از ۳۵ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۵۱ درصد در سال ۱۴۰۴ می‌رسد و در صورت اجرای سناریوی سوم یا ادامه وضعیت موجود، جمعیت فاقد امنیت غذایی با میزان رشد سالیانه ۲٫۴۳ درصد، حدود ۵۲ درصد از کل جمعیت را در سال ۱۴۰۴ تشکیل می‌دهد. بر این اساس و به دلیل تفاوت ناچیز سناریوها با یکدیگر، می‌توان نتیجه گرفت که اجرا یا اجرا نشدن سیاست‌های توسعه امنیت غذایی از طریق توسعه بخش کشاورزی، تفاوتی ندارد و به تبع آن، سیاست‌های افزایش امنیت غذایی فاقد کارایی لازم است.

بررسی مفاهیم رویکردهای اقتصاد مقاومتی

تعریف بسته‌های سیاستی مسیری برای ایجاد یک نگاه جامع و همه‌جانبه است تا راه‌حل‌های پیش‌بینی‌شده برای حل مشکلات نه تنها مشکل جدیدی ایجاد نکند، بلکه حتی تقویت‌کننده سایر راه‌حل‌ها باشد. همچنین این بسته‌های سیاستی اغلب دارای نگاه بلندمدت هستند و طوری طراحی شده‌اند تا در بلندمدت اهداف خاصی را پشتیبانی کنند (سمیعی نسب و سلیمانی، ۱۳۹۳: ۳).

- 1 . Population (P)
- 2 . Environment Population (E)
- 3 . Socio-economic Development (D)
- 4 . Agriculture (A)

با توجه به هدف مقاله که تبیین رویکردهای اقتصاد مقاومتی است، این رویکردها را از مقدمه و متن سیاست‌های ابلاغی استخراج خواهیم کرد. در مقدمه سیاست‌ها چنین آمده است: «با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌گردد» (برگرفته از متن سیاست‌های کلی ابلاغی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲).

در این قسمت نیاز است درباره مفهوم و واژه رویکرد که معادل آن در زبان انگلیسی Approach است، توضیحاتی داد؛ از جمله بررسی این مفهوم در لغت‌نامه‌های قابل استناد که این چنین آمده است:

- فرهنگ لغت کمبریج: شیوه انجام دادن کاری یا مورد توجه قرار دادن چیزی (سایت دیکشنری کمبریج)^۱؛

- فرهنگ لغت آکسفورد: مسیر یا هر راهی که ما را به مکانی رهنمون سازد (سایت دیکشنری آکسفورد)^۲.

- فرهنگ لغت مریم وبستر: برداشتن گام‌های مقدماتی برای نیل به هدفی مشخص (سایت دیکشنری مریم وبستر)^۳.

به طور کلی در بسته‌های سیاستی، زمانی که صحبت از رویکردها به میان می‌آید، منظور روح کلی حاکم بر آن است (پیغامی، ۱۳۹۴).

باید اذعان کرد این مقدمه اندک، با بیان رویکردهایش، روح کلی حاکم بر سیاست‌ها را دنبال می‌کند و به عبارت دیگر، تمام رویکردهای بیان شده بر کل و بند بند سیاست‌ها حاکم خواهد بود. این مقدمه اندک شاید قسمت اصلی این سیاست‌هاست که مبانی علمی نیز دارد. مطابق کاربرد و نتایج حاصل از روش تحلیل مضمون برای بندهای سیاست کلی اقتصاد مقاومتی، جدول ۱ قابل ملاحظه است.

1 . <http://dictionary.cambridge.org/dictionary/british/approach>

2 . <http://www.oxforddictionaries.com/definition/english/approach>

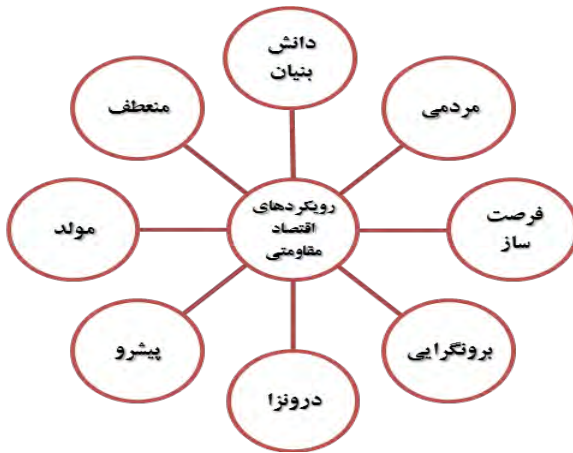
3 . <http://www.merriam-webster.com/dictionary/approach>



جدول ۱- موضوع محوری و مضمون ناظر بر بندهای سیاست‌های کلی ابلاغی اقتصاد مقاومتی

بند سیاستی	موضوع محوری و مضمون ناظر بر هر بند
۱	توسعه کارآفرینی و مشارکت عمومی
۲	اقتصاد دانش‌بنیان
۳	رشد بهره‌وری و استفاده از مزیت‌های جغرافیایی مناطق
۴	استفاده از ظرفیت هدفمندسازی یارانه‌ها
۵	سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف
۶	تولید داخلی کالاهای اساسی
۷	تأمین امنیت غذا و دارو
۸	مدیریت و اصلاح الگوی مصرف
۹	اصلاح و تقویت نظام مالی
۱۰	حمایت از صادرات کالاها و خدمات
۱۱	توسعه مناطق آزاد و ویژه تجاری
۱۲	استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی
۱۳	مقابله با ضربه‌پذیری درآمدهای گاز و نفت
۱۴	گسترش ذخایر راهبردی و استفاده از ظرفیت میدان‌های مشترک نفتی
۱۵	افزایش ارزش‌افزوده در حوزه صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و برق
۱۶	صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور
۱۷	اصلاح نظام درآمدی دولت (مالیات)
۱۸	کاهش وابستگی بودجه به نفت
۱۹	مبارزه با مفاسد اقتصادی
۲۰	تقویت فرهنگ جهادی
۲۱	تبیین و گفت‌وگو سازی ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی
۲۲	بسیج امکانات دولت
۲۳	روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار ارز
۲۴	افزایش پوشش استاندارد

در جدول فوق مواضع محوری در ۲۴ بند سیاست‌های ابلاغی احصا شده است تا با نگاهی کلی بتوان تمامی این سیاست‌ها را بررسی کرد. همچنین با بررسی مقدمه سیاست‌های ابلاغی موارد زیر جزء رویکردهای اقتصاد مقاومتی شناسایی شده است. در مجموع می‌توان رویکردهای اقتصاد مقاومتی را در نمودار ۲ رصد کرد.



نمودار ۲- رویکردهای اقتصادی مقاومتی

۱. منعطف

واژه منعطف در لغت به معنای خم‌گیرنده، خمیده، خم‌گرفته و دولا شده و برگردانده است (دهخدا، ۱۳۴۱، مدخل میم).

حال برای آشنایی بیشتر با معنای اصطلاحی انعطاف‌پذیری سراغ ادبیات این مفهوم در مفاهیم اقتصادی می‌رویم؛ بنابراین به ارائه چند تعریف از منابع مختلف می‌پردازیم. متأسفانه هیچ تعریف مشترک مورد توافقی از انعطاف‌پذیری که در همه رشته‌ها استفاده شود، وجود ندارد. حال تعاریف مورد استفاده و رایج انعطاف‌پذیری برحسب مفاهیم مرکزی آنها بیان می‌شود. تعاریف انعطاف‌پذیری به علت ارتقای توانایی اجتماع‌ها در ترمیم و بازیابی پس از وقوع فجایع، بسیار ارزشمند هستند.

انعطاف‌پذیری اقتصادی در ادبیات متعارف اقتصادی چند مؤلفه دارد:

الف) ظرفیت جامعه برای بازگشت به شرایط اقتصادی پیش از بحران و ظرفیت جوامع برای کاهش در معرض خطر قرار گرفتن چه در واکنش به وقوع بحران که جامعه تجربه کرده یا در پیش‌بینی وقوع حوادثی که هنوز تجربه نکرده است (فورگوت، ۲۰۰۹).
ب) مقاومت که حساسیت‌پذیری اقتصاد در برابر بحران‌های اقتصادی مانند رکود را نشان می‌دهد.

ج) بهبود که به معنای سرعت عمل در «بهبودبخشی» پس از مواجهه با بحران‌هاست.

د) بازسازی که تجدید دوباره مسیر رشد اقتصادی پس از بحران‌هاست (مارتین، ۲۰۱۲).





نمودار ۳- مؤلفه‌های اصلی انعطاف‌پذیری اقتصادی در ادبیات متعارف

۲. مولدیت (بهره‌وری)

مولد در لغت به معنای تولیدکننده، زاینده، به‌وجودآورنده و زیاست (عمید، ۱۳۸۹، مدخل میم). در زبان انگلیسی نیز لغت Productive به معنای زایا بودن و به معنای صفتی است که تولید منفعت و سود را می‌رساند.^۱ واژه Productive در زبان فارسی به «بهره‌ور» نیز ترجمه شده است.

پیشینه مولدیت به دورانی بسیار کهن بازمی‌گردد؛ به‌گونه‌ای که با انسان و استعدادها و توانایی‌های او گره خورده است. در قرن هجدهم میلادی برای نخستین بار واژه مولدیت مطرح شد و پس از آن، سازمان‌ها و جنبش‌های مستقل در این زمینه به مطالعه و پژوهش پرداختند. هدف از بهره‌وری، دستیابی به مقاصدی است که نیازهای مادی و معنوی انسان را برمی‌آورد و زندگی بهتر را برای او فراهم می‌کند. امروزه به دلیل شدت نیاز به بازسازی اقتصادی و استفاده مفید از عوامل تولید، مفهوم بهره‌وری بیشتر درباره مسائل اقتصادی و تولیدی به کار گرفته می‌شود.

تعریف‌های گوناگونی برای بهره‌وری به چشم می‌خورد که تبیین آنها در اینجا نمی‌گنجد، ولی این تعریف به منظور ما از بهره‌وری نزدیک‌تر است. منظور از بهره‌وری، کارایی یک انتخاب جمعی در کنار کارآمدی (اثربخشی) آن است. به عبارت بهتر، بهره‌وری شاخصی است که از تجمیع دو شاخص دیگر حاصل می‌شود و بر همین اساس بهترین روش برای تبیین بهره‌وری تبیین دو شاخص مذکور است. کارایی از جمله لغاتی است که کمتر واژه‌ای به اندازه آن، در پارادایم‌های مختلف اقتصادی از

۱. رک: دیکشنری Merriam Webster ذیل واژه Productive.

شهرت و رواج برخوردار است. کارایی در لغت، به معنای بی‌فایده نبودن یک انتخاب یا بهترین استفاده از منابع در دسترس است. به عبارت بهتر، کارایی به انجام کارها به بهترین روش یا تدبیر و تمشیت هر نوع انتخابی با کمترین هزینه و بیشترین منفعت است (لاکوود، ۲۰۰۸: ۲۹۲-۲۹۵). در مقابل، کارامدی (اثربخشی) هر انتخاب جمعی، به معنای انجام بهترین انتخاب‌هاست. به عبارت بهتر، در حوزه کارامدی، صحبت از آن است که آیا ضرورتی بر انجام انتخاب مد نظر بوده است؟ بنابراین، در حالی که کارایی ناظر بر روش انجام یک تعامل است، کارامدی ناظر بر نوع تعامل است. در واقع کارایی را می‌توان درست انجام دادن کار و اثربخشی را کار درست انجام دادن قلمداد کرد.

۳. پیشرو بودن

پیشرو در لغت به معنای پیشتاز، پیش‌قدم و مقدم آمده است (خداپرستی، ۱۳۷۶، مدخل پ). در زبان انگلیسی نیز پیشرو بودن به همین معناست.^۱ مفهوم پیشرو بودن در اقتصاد را می‌توان در دهه ۱۹۳۰ در خلال بحث‌های اقتصاددانان کانادایی جست‌وجو کرد. کلیدواژه Pioneer Economy در اقتصاد در مطالعات اقتصاددانان کانادایی به چشم می‌خورد. البته این مفهوم ممکن است در سایر علوم مانند سیاست و... دارای پیشینه‌ای عمیق‌تر و با بسط مفاهیم بیشتر باشد. با این حال دابلیو.آ. مکینتوش،^۲ اقتصاددان کانادایی، در این باره می‌گوید: اقتصاد پیشرو یا نابالغ چیست؟ این مفهوم، مفهومی نیست که به لحاظ تاریخی بحثی جدید به حساب آید، بدون پیشینه نیست و همچنین غیر توسعه‌یافته نیست. اقتصاد پیشرو در واقع با فراوانی نسبی منابع شناسایی می‌شود (دابلیو.آ. مکینتوش، ۱۹۳۶: ۴۵۷).

۴. برون‌گرا بودن

مفهوم برون‌گرایی^۳ ابتدا در علوم روان‌شناسی مطرح شده است و در آن انسان‌ها بر اساس نوع و ماهیت رفتار در روابط و تعاملات خارجی، به درون‌گرا و برون‌گرا تقسیم می‌شوند (فوردهام، بی‌تا). مفهوم برون‌گرایی در اقتصاد به روند همگرایی کشورها به بازارهای جهانی به لحاظ حجم تجارت جهانی در کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری در سبد سرمایه‌ای بین‌المللی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برمی‌گردد.

۱. رک: دیکشنری Merriam Webster ذیل واژه Pioneer.

۲. W.A. Mackintosh, 1936

۳. Extroversion



فعالیت‌های برون‌گرا^۱ به فعالیت‌های کسب و کار و تجارت افراد و سازمان‌ها که از مرزهای ملی خارج می‌شود و به کشورهای دیگر وارد می‌شود برمی‌گردد (Chletsos, 2008). برون‌گرایی، بهره‌برداری از مزیت‌های رقابتی و مزیت نسبی کشورها و گسترش کسب‌وکار به بازارهای جدید بین‌المللی و خارج از مرزهاست. برای استفاده از این مزیت هر دو محیط داخلی سالم و محیط خارج باید آماده پذیرش محصولات کشور صادرکننده باشند. درجه برون‌گرایی جامع اقتصادی^۲ یک شاخص جامع است که عمدتاً برای اندازه‌گیری صادرات محور بودن^۳ یک کشور یا منطقه در توسعه اقتصادی خارجی، تجارت کالا و خدمات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و... به کار می‌رود (وانگشینگ، ۲۰۱۰).

۵. درون‌زا بودن

کوتاه و مختصرترین تعریف از درون‌زایی را پل رومر (۱۹۸۴) ارائه کرده است: کلمه «درون‌زا» اساساً یک اصطلاح گیاه‌شناسی است و در واقع اندوژن^۴ گیاهی است که از طریق رشد بی‌قاعده بافت‌های معمول و آوندی جدید در درون بافت‌های موجود افزایش پیدا می‌کند و بدین ترتیب درون‌زایی (Endogenous)، رشد یا تولید از درون است و این استعاره مناسبی برای رشد اقتصادی و فناوریانه است. تئوری رشد درون‌زا مفهومی ساده برای رشد اقتصادی است که از درون سیستم یا به عبارت بهتر از درون یک کشور، تحقق پیدا می‌کند (الفتی، بابایی، ۱۳۸۱: ۱۷۲-۱۷۳). الگوهای رشد اقتصادی نظریاتی هستند که برای تفسیر و توضیح واقعیت‌های مشاهده‌شده در زمینه رشد در سطح جهانی ارائه شده‌اند. سه رهیافت مختلف در طراحی الگوهای رشد درون‌زا وجود دارد که تأکید اصلی هر یک از آنها بر یکی از سه عامل زیر است: آثار بیرونی ناشی از انباشت سرمایه فیزیکی؛ انباشت سرمایه انسانی (یعنی نیروی کار ماهر) و رشد مستمر موجود در «طرح‌های» تولیدی جدید که خود خلق طرح‌های جدید تولیدی را تسهیل می‌کند. به نظر می‌رسد رهیافت سوم، موجه‌ترین وسیله‌ای است که می‌تواند باعث رشد طولانی‌مدت شود (ابریشمی و منظور، ۱۳۷۸: ۲۷). مفهوم نظریه رشد درون‌زا این است که سیاست‌هایی که به سوی باز بودن بیشتر اقتصاد، رقابت، تغییر و نوآوری است، موجب تسریع روند رشد می‌گردد و در مقابل، سیاست‌هایی که دارای اثر محدودکننده

- 1 . Extroverted Activities
- 2 . Economic Comprehensive Extroverted Degree
- 3 . Export-oriented Economy
- 4 . Endogen

یا کاهش نوآوری و حفاظت از صنایع و شرکت‌های ناکارآمد موجود باشد، موجب کندی روند رشد اقتصادی و موجب ایجاد عدم مزیت اقتصادی در جامعه می‌شود (بارو، ۲۰۰۴). برخی از اهم مؤلفه‌های درون‌زایی اقتصادی با الهام از اندیشه‌های مقام معظم رهبری عبارت‌اند از: خوداتکایی در تأمین نیازهای داخلی، توسعه و تنوع فعالیت‌های اقتصادی و احتراز از واردات بی‌رویه (پیغامی، ۱۳۹۲). در واقع آنچه در علم اقتصاد با عنوان الگوهای رشد درون‌زا مطرح است، بخشی از مفهوم درون‌زایی را می‌رساند؛ حال آنکه درون‌زایی منطبق بر الگوی اقتصاد مقاومتی مؤلفه‌هایی اعم از مؤلفه‌های مطرح‌شده در الگوهای مذکور را دارد که در مطالعه (پیغامی، ۱۳۹۲) و مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری مطرح شد.

۶. فرصت‌ساز بودن

واژه فرصت‌ساز مرکب از دو جزء فرصت و ساز است. واژه فرصت در لغت به معنای وقت مناسب برای کاری، زمان، وقت و در معنای مصدر لازم، به دست آوردن وقت مناسب برای انجام کاری است (عمید، ۱۳۸۹، مدخل ف). «ساز» در لغت به معنای سازنده چیزی و فاعل مستعمل است؛ همچنین به معنای ایجادکننده، فراهم‌کننده، روبراه‌کننده و سروسامان‌دهنده است (دهخدا، ۱۳۴۱، مدخل سین). در نتیجه فرصت‌سازی به معنای ایجاد و فراهم کردن وقت مناسب برای انجام کاری است. اقتصاددانان معتقدند که فرصت‌های اقتصادی یکی از حقوق بنیادین زندگی، آزادی و رضایتمندی محسوب می‌شود. خلق یک فرصت در جامعه بیانگر فرصتی اقتصادی است که راهکارهای خلق یک فرصت را بررسی می‌کند، به خصوص این راهکارها برای سطوح ضعیف اقتصادی جامعه معنادار است. در مطالعاتی که ناظر به بررسی فرصت‌ها در جوامع است، موضوعات زیر مورد تدقیق قرار می‌گیرد:

۱. تحرک^۱ که در دو محور بررسی می‌شود: الف) تحرک درآمد در طول زندگی و بین نسل‌ها؛ ب) سطوح پایین تحرک در دنباله توزیع.
۲. فقر^۲ که در دو محور بررسی می‌شود: الف) کاهش فقر در کهن‌سالان؛ ب) موفقیت حداقلی در کاهش فقر برای سایر گروه‌ها.

1 . Mobility

2 . Poverty



۳. نابرابری^۱ که در دو محور بررسی می‌گردد: الف) سطوح در حال رشد نابرابری درآمدی به خصوص در سطوح خیلی بالا؛ ب) قشر متوسطی دارای درآمد حداقلی (ساوهیل و هسکینز، ۲۰۰۹: ۱۰).

راهکارها و مؤلفه‌هایی که در کتاب خلق جامعه فرصت‌ساز برای ایجاد فرصت مطرح شده است، عبارت‌اند از:

۱. بهبود و ارتقای شرایط آموزش و تحصیل؛
۲. افزایش بهره‌وری نیروی کار و ساعات کاری؛
۳. تقویت بنیان‌های خانواده (ساوهیل و هسکینز، ۲۰۰۹: ۲۵).

۷. مردمی بودن

برای تحقق دفاع و مقاومت اقتصادی و شکل‌گیری یک الگوی دفاعی، باید نیروهای دخیل و سهیم در عرصه اقتصادی چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی ارتقا یابند؛ به عبارت دیگر باید نیروی مردمی که یک نیروی عظیم به حساب می‌آید و نمی‌توان خلاف خواستش را به او تحمیل کرد، در عرصه اقتصاد ورود کند و با استفاده از تمامی ظرفیت‌های اقتصادی، این عرصه را در دست بگیرد و به اصطلاح مشارکت مردمی که از یک طرف حق و از طرف دیگر وظیفه مردم است، در اقتصاد رخ دهد و یک اقتصاد مردمی به وجود آید.

مشارکت مردمی در اقتصاد زمانی محقق می‌شود که مردم به صورت آگاهانه،^۲ داوطلبانه^۳ و فعالانه در حد توان خود،^۴ به صورت منظم و با تشکیلات^۵ حداکثر نقش‌آفرینی در اقتصاد را ایفا کنند، طوری که تصمیم‌های آنها واقعاً مؤثر باشد. این مشارکت اولاً یک امر تشکیکی است^۶ و ثانیاً به صورت تدریجی رخ می‌دهد.^۷ در این امر باید خود افراد موضوع و مورد مشارکت، حدود و ظرفیت‌ها، هزینه‌ها و فرصت‌های آن را تشخیص دهند و بنا به آنها در این مسیر گام بردارند^۸ نه اینکه منتظر دولت یا سایر قوا باشند تا این موارد را برای آنها مشخص کنند یا برای مردم کاری انجام دهند.^۹ با اینکه ورود دولت در این زمینه‌ها، بهتر است و برخی موارد مثل تهیه امکانات

1. Inequality

- ۲ . صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۳۴
- ۳ . صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۶۱
- ۴ . صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۴۰ و ۲۴۱
- ۵ . صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۷۶
- ۶ . صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۰
- ۷ . صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۱۱
- ۸ . صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۳۲ و ۵۳۵ و ۵۳۷
- ۹ . صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۹۱ و ۹۲

مشارکت،^۱ هدایت آن و نظارت بر آن^۲ و وظیفه اوست، ولی اگر دولت و سایر قوا به وظایف خود عمل نکردند، مردم نباید مأیوس شوند و دست از مشارکت بردارند.^۳ مشارکت مردمی در تأمین بخشی از هزینه‌های جنگ تحمیلی و پشتیبانی از آن و نیز مدیریت و پیشبرد آن و حضور آنها در جهاد سازندگی، دو نمونه‌ای هستند که به این وضعیت مطلوب نزدیک شده بودند.

۸. اقتصاد دانش‌بنیان

اقتصاد مبتنی بر دانش چنین تعریف شده است: اقتصادی که به طور مستقیم مبتنی بر تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات باشد (OECD, 1996). در این‌گونه اقتصادها، دانش و به تبع آن اطلاعات، فناوری و یادگیری، عامل رشد و بهره‌وری است. این مفهوم به سرعت میان سیاست‌گذاران جای خود را باز کرد و کشورهای زیادی برنامه‌های خود را برای ورود به این اقتصاد معرفی کردند.

بانک جهانی نیز قرن بیست و یکم را اقتصاد مبتنی بر دانش نامیده است و آن را دارای چهار محور می‌داند:

- الف) سیستم نهادی و اقتصادی که مشوق استفاده مؤثر از دانش و رشد کارآفرینی است.
- ب) جمعیت دانش‌آموخته، خلاق و ماهر؛
- ج) زیرساخت اطلاعاتی و ارتباطی به خوبی توسعه یافته؛
- د) یک نظام ملی نوآوری مؤثر که رابطه دینامیکی با جهان علم و فناوری و جهان کسب و کار داشته باشد (Aubert, 2003).

بر این اساس، اقتصاد دانش‌بنیان تنها به تعداد محدودی صنایع مبتنی بر فناوری بسیار پیشرفته وابسته نیست؛ بلکه در این نوع اقتصاد تمامی فعالیت‌های اقتصادی به شکلی بر دانش متکی است. حتی فعالیت‌هایی نظیر معدن و کشاورزی که اقتصاد سنتی خوانده می‌شوند. همچنین دانش مورد نیاز برای ساختن اقتصاد دانش‌بنیان تنها از نوع فناوری محض نیست و دانش فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی را نیز دربرمی‌گیرد (وحیدی، پریدخت، ۱۳۸۰).

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۹۵

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۱۶

۳. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۷



امنیت غذایی

۱. سیر تحول تعاریف امنیت غذایی

امنیت غذایی موضوعی پیچیده است که در طول زمان، علاوه بر تعدد تحقیقات انجام شده توسط کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، تنوع زیادی از تعاریف نیز متناسب با این تحقیقات ارائه شده است. این پیچیدگی مفهومی در موضوع امنیت غذایی، همچنین باعث برداشت‌هایی متفاوت از آن شده است. تا به امروز سه تغییر در سطح تحلیل درباره این موضوع به وجود آمده است (Mawell, S., 1996: 155-70):

۱. تغییر از سطح جهانی و ملی به سطح خانوار؛

۲. تغییر از تأکید بر سطح غذا به سطح وضع معیشتی؛

۳. تغییر از سطح شاخص‌های عینی به سطح شاخص‌های ذهنی.

سازمان ملل در کنفرانس جهانی غذا در سال ۱۹۷۵، امنیت غذایی را «عرضه کافی مواد غذایی اساسی در جهان و در تمام زمان‌ها... به نحوی که موجب افزایش یا ثبات مصرف و جبران نوسان‌های تولید و قیمت شود» تعریف کرده است (United Nations, 1974). این تعریف که فقط به عرضه غذا در سطح جهانی توجه دارد، مورد نقد اقتصاددانانی چون آمارتیا سن قرار گرفت (Sen, A., 1981). سن معتقد است که مشکل عدم امنیت غذایی می‌تواند با وجود عرضه کافی مواد غذایی نیز ایجاد شود. وی ریشه توجه صرف به میزان عرضه را در فهم ناصحیح از نگرش مالتوس^۱ می‌داند و بر این باور است که بدون توجه به توزیع عادلانه غذا و تأمین شرایطی که موجب دسترسی همه خانوارها به مواد غذایی می‌شود، نمی‌توان تعریف صحیحی از امنیت غذایی ارائه داد.

نکته حائز اهمیت، تعیین نقطه تمرکز مفهوم و تعریف امنیت غذایی بر سطح تحلیل است؛ به گونه‌ای که مشخص شود که این تعریف بر فرد استوار است یا خانوار. برخی از نظریه‌پردازان با توجه به مسائلی چون نحوه تخصیص منابع و قدرت در درون خانوار و تأثیر آن بر دسترسی اعضای خانوار به غذا، فرد را به عنوان سطح تحلیل انتخاب کرده‌اند. بانک جهانی^۲ در راستای نگرش دوم در سال ۱۹۸۶ امنیت غذایی را به این صورت تعریف کرد: «دسترسی همه مردم در تمام زمان‌ها، به غذای کافی برای تأمین زندگی سالم و فعال.» دلالت‌هایی که در این تعریف وجود دارد بازگوکننده تلاش جهانی برای پاسخگویی به نیازهای انسان به غذا و تأمین عدالت اجتماعی و

1 . Thomas Robert Malthus

2 . WorldBank

سلامت تغذیه‌ای است. بر این اساس می‌توان گفت دستیابی به امنیت غذایی سه مفهوم اساسی را دربرمی‌گیرد:

الف) اطمینان یافتن از تأمین غذای کافی و سالم با کیفیت مناسب در سطح ملی، خانوار و فرد؛

ب) برقراری ثبات در تأمین غذا در تمام روزهای سال؛

ج) اطمینان یافتن از دسترسی مستمر فیزیکی و اقتصادی خانوار به غذای کافی نه تنها برای تأمین نیازهای اساسی، بلکه برای تأمین زندگی سالم و فعال.

به نظر برخی از نظریه‌پردازان، تعریف بانک جهانی که سطح تحلیل کلان را به جای خرد در نظر می‌گیرد، تعریف کاملی از امنیت غذایی به شمار نمی‌رود. نقد این نظریه‌پردازان بر چنین تعاریفی معطوف بی‌توجهی آنها به نحوه معیشت است. صرف وجود مواد غذایی در تمام زمان‌ها برای تمام افراد، امنیت غذایی را تأمین نمی‌کند. آنچه اهمیت دارد، شرایط معیشتی است. جامعه‌ای که مدعی برخورداری از امنیت غذایی است، باید ساختارهای داخلی را تا حدی توسعه دهد که مانع کاهش مصرف غذایی به کمتر از میزان لازم شود. در اینجا نظریه‌پردازان با تفکیک خانوارها به سه گروه خانوارهای مقاوم، خانوارهای آسیب‌پذیر و خانوارهای شکننده و ضعیف، بر امنیت معیشتی به عنوان شرط کافی برای تأمین امنیت غذایی و بر توانایی بلندمدت خانوارها به عنوان عامل تولید - بازتولید، تأکید کرده‌اند. بدین ترتیب، اوشاگ^۱ تعریف زیر را از امنیت غذایی ارائه داده است: «امنیت غذایی نه تنها به معنای تأمین نیازهای معیار «استانداردها» است، بلکه به معنای توسعه ساختارهای داخلی که جامعه را قادر به حفظ سطح معیار در شرایط بحرانی می‌سازد نیز هست (اوشاگ، ۲۰۱۰).

توجه به شاخص‌های ذهنی به جای شاخص‌های عینی از تعریف امنیت غذایی موجب ارائه تعریف دیگری شد که مبتنی بر شاخص‌های عینی است. بر اساس این رویکرد، امنیت غذایی عبارت است از مصرف کمتر از ۸۰ درصد کالری مورد نیاز روزانه و عرضه کافی مواد غذایی (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۴). البته برخی از نظریه‌پردازان، معتقدند دیدگاه عینی، دارای دو مشکل است:

الف) شرایط سنی، جنسی، جسمانی، محیطی و رفتاری نادیده گرفته شده است.

ب) در نظر گرفتن معیارهای کمی، به نادیده گرفتن جنبه‌های کیفی منجر می‌شود.



این مشکلات سبب طرح رویکرد ذهنی به امنیت غذایی شده است. ماکسول^۱ بر اساس چنین رویکردی امنیت غذایی را به این صورت تعریف کرده است: «یک کشور و ملت زمانی امنیت غذایی دارند که نظام غذایی آنها به گونه‌ای عمل کند که هراس از نبود غذای کافی از بین برود. امنیت غذایی وقتی به دست می‌آید که افراد فقیر و آسیب‌پذیر، به ویژه زنان و کودکان و آنانی که در شرایط مرزی ابتلا به سوء تغذیه به سر می‌برند، به هر میزان، به غذایی که تمایل دارند دسترسی داشته باشند.» در این رویکرد، تعیین میزان تغذیه مناسب به عهده افراد گذاشته می‌شود (ماکسول، ۲۰۱۱).

«کمیته جهانی امنیت غذایی»^۲ که از کمیته‌های مهم فائو محسوب می‌شود، وظیفه بررسی و پیگیری سیاست‌های مرتبط با امنیت غذایی جهانی را برعهده دارد و تشکیل آن در واقع نتیجه بحران غذایی دهه ۱۹۷۰ بوده است. این کمیته معمولاً همه ساله در ماه اکتبر مصادف روز جهانی غذا موضوعات مشخصی را تعیین و اجلاس سالانه خود را برگزار می‌کند. طبق تعریف FAO، امنیت غذایی به وضعیتی گفته می‌شود که «همه افراد، در هر زمانی، دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذای کافی، ایمن و مغذی داشته باشند، به طوری که پاسخگوی نیازهای جیره‌ای و ترجیحات غذایی آنها و نیز زیستن فعال و سالم باشد. در واقع به نظر این سازمان، امنیت غذایی زمانی وجود خواهد داشت که تمامی مردم در تمامی زمان‌ها دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی به غذایی سالم، ایمن و مغذی برای تأمین نیازهای تغذیه‌ای و ترجیحات غذایی خود و دستیابی به یک زندگی فعال و سالم را داشته باشند. در این تعریف از امنیت غذایی، چهار معیار ارائه شده است که عبارت‌اند از:

۱. فراهمی غذا (وجود و تولید مقادیر کافی غذا)؛
۲. کیفیت غذا (ایمن بودن، اطمینان از تأمین مغذی‌ها و رغبت‌انگیز بودن)؛
۳. بهای غذا (مقدار کافی از غذایی که همگان توان خرید آن را دارند)؛
۴. پیش‌بینی‌پذیری غذا (تضمین فراهمی همیشگی مقادیری از غذا). فائو همچنین به بخش عمده‌ای از مطالعات انجام‌شده توسط کشورهای جهان در حوزه امنیت غذایی که با محوریت «برنامه ملی امنیت غذایی» آنها صورت گرفته در پایگاه اینترنتی خود اشاره کرده است.

1 . Makes Veil

2 . Committee on World Food Security



نمودار ۴- مؤلفه‌های امنیت غذایی

مسلماً در کنار شاخص امنیت غذایی جهانی، شاخص‌های دیگری نیز به اندازه‌گیری وضعیت امنیت غذایی در سطح بین‌الملل پرداخته‌اند که تمرکز بخش عمده‌ای از این شاخص‌ها بر آمارهای بودجه خانوار و میزان مصرف آنها استوار است که مبتنی بر آن، میزان کالری سرانه و در دسترس خانوارها محاسبه می‌شود که در این مقاله بررسی نمی‌شوند.

۲. سیاست‌های امنیت غذایی در ایران

موضوع امنیت غذایی در جمهوری اسلامی ایران، از دو منظر قابل بررسی است: حوزه نخست، سازمان‌ها و نهادهای سیاست‌گذار و متولیان اجرایی امنیت غذایی قرار دارند و حوزه بعدی قوانین امنیت غذایی را شامل می‌شود که در این میان، وزارت صنعت، معدن و تجارت، به ویژه بخش بازرگانی آن به عنوان متولی تأمین، توزیع و تعیین قیمت غذا، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با نظارت بر سلامت یا تغییرات الگوی مصرف غذا، و وزارت جهاد کشاورزی با عنوان نهادی مهم در مؤلفه عرضه غذا یا موجود بودن آن، مرتبط با موضوع امنیت غذایی بوده و سالانه آمار و ارقام مربوط به واردات و صادرات و بودجه تخصیصی به این حوزه را منتشر می‌کنند؛ به گونه‌ای که هر یک از این وزارتخانه‌ها، به عنوان متولی بخشی از زنجیره تأمین غذا شامل چهار مؤلفه اصلی موجود بودن غذا، دسترسی به غذا، سلامت غذا و الگوی مصرف غذا نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. حوزه دوم، نهادهای قانون‌گذار و ناظر قرار دارند که از این میان می‌توان به مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مرکز تحقیقات استراتژیک وابسته به آن، سازمان بازرسی کل کشور، مرکز آمار ایران اشاره کرد و این نهادها نیز سالانه یا گاهنامه یا در همایش‌ها و کنفرانس‌های داخلی و بین‌المللی گزارش‌هایی مرتبط با موضوع امنیت غذایی ارائه می‌کنند.

الف) قانون اساسی و امنیت غذایی

در حوزه قانون‌گذاری، موضوع امنیت غذایی در قانون اساسی، سیاست‌های کلی برنامه‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم توسعه و همچنین سند چشم‌انداز در افق سال ۱۴۰۴ تبیین و شاخص‌هایی نیز برای آن ترسیم شده است. در این راستا، اصل‌های سوم (بندهای ۱۲ و ۱۳) و چهارم و سوم (بندهای ۱ و ۹) از قانون اساسی به صورت مشخص به کشاورزی و امنیت غذایی اختصاص یافته است. در بندهای ۱۲ و ۱۳ از اصل سوم قانون اساسی چنین آمده است: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: بند ۱۲: پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیر بیمه؛

بند ۱۳: تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.

در بندهای ۱ و ۹ از اصل چهارم و سوم این قانون نیز چنین ذکر شده است که برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

بند ۱: تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه؛
بند ۹: تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

ب) چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور و امنیت غذایی

در افق چشم‌انداز نیز علاوه بر تبیین وضعیت توسعه‌یافتگی کشور، ویژگی‌های جامعه ایرانی نیز چنین ترسیم شده است: برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.

ج) برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کشور و امنیت غذایی

موضوع امنیت غذایی در سیاست‌های برنامه‌های توسعه نیز لحاظ شده است. در برنامه پنج ساله دوم توسعه کشور در خصوص امنیت غذایی آمده است که «رشد و توسعه پایدار اقتصادی با محوریت بخش کشاورزی است و دولت تأمین امنیت اقتصادی - اجتماعی و قضایی تولیدکنندگان و تضمین سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در امر کشاورزی را مورد تأکید قرار خواهد داد». در این برنامه توسعه بخش کشاورزی با هدف رسیدن به امنیت غذایی به صورت زیر تعریف شده است:

- تأمین رشد و توسعه پایدار کشاورزی با تأکید بر حفظ، احیا و بهره‌برداری متعادل از منابع پایه؛

- افزایش تولیدات کشاورزی به منظور تأمین نیازهای غذایی جامعه، مواد خام مورد نیاز صنایع، توسعه صادرات و کاهش واردات محصولات کشاورزی.

بر این اساس آنچه از امنیت غذایی در برنامه دوم توسعه مطرح شده، مترادف خودکفایی در تأمین محصولات کشاورزی و غذایی به عنوان شاخصی مهم در راستای استقلال سیاسی و اقتصادی ایران است. در این برنامه لازمه رسیدن به امنیت ملی، توسعه بخش کشاورزی و تحقق امنیت غذایی است. در سند برنامه سوم توسعه کشور مباحث مربوط به امنیت غذایی در چهار بعد اقتصادی، سیاسی/ فرهنگی، منابع/ محیطی و نظامی مطرح شده است:

- در بُعد اقتصادی توجه ویژه به افزایش کمی و کیفی محصولات کشاورزی و آبریزان با هدف تأمین امنیت غذایی و توسعه صادرات و با اولویت دانه‌های روغنی و زیتون در نظر گرفته شده است.

- در بُعد سیاسی- فرهنگی توجه ویژه به استقلال سیاسی و ثبات در امنیت غذایی به عنوان یکی از وظایف مهم حکومت محسوب شده است. همچنین حفظ ذخایر استراتژیک به ویژه منابع غذایی و به خصوص خودکفایی در کالاهای اساسی و صرفه‌جویی در منابع ارزی.

- بُعد منابع- محیطی: در سند برنامه این بُعد از امنیت ملی به دو بخش امنیت منابع و امنیت محیط تقسیم شده است: الف) امنیت منابع شامل دسترسی به منابع غیرقابل تجدید و منابع تجدیدپذیر می‌شود. ب) امنیت محیطی نیز شامل آلودگی‌های تهدیدکننده حیات و تغییرات تهدیدکننده محل زندگی طبیعی انسان می‌شود که مهم‌ترین نموده‌های آن، گرم شدن کره زمین، نازک شدن لایه اوزن، باران‌های اسیدی، جنگل‌زدایی جهانی و ضایعات سمی است.



- بُعد نظامی: در این بعد، امنیت غذایی به صورت غیرمستقیم با بُعد نظامی مرتبط است و در این راستا سازمان شیلات ایران برای حفاظت از منابع آبریان دریایی از جمله حفاظت از منابع خاویار کشور نسبت به تشکیل یگان‌های حفاظتی اقدام کرده است.

۳. سیاست‌های حمایتی امنیت غذایی

در کنار تمامی سیاست‌های حمایتی همانند سیاست جایگزینی واردات، افزایش تعرفه محصولات غذایی اساسی که در ایران قابلیت تولید دارند توسط سازمان توسعه تجارت، اعمال برخی استانداردهای زیست‌محیطی برای ورود محصولات غذایی و دارو به ایران، یکی از مهم‌ترین سیاست‌های تعرفه‌ای، سیاست حمایت هدفمندسازی بوده است که با وجود تأخیر فراوان در اجرا، نقش مهمی در کاهش اعوجاج قیمت‌ها و تخصیص مناسب منابع تولید به فعالیت‌های کارا، داشته است. مسلماً حسن اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها می‌تواند منشأ تحولات بنیانی در اقتصاد ملی و اقتصاد بخش کشاورزی شود و به تبع آن، ضریب امنیت غذایی نیز افزایش خواهد یافت. هرچند توجه مجریان این قانون تاکنون به موضوع مصرف انصراف داشته است، اما در کلیات برنامه ششم و همچنین چشم‌اندازی که از برنامه‌های آتی مد نظر دولت است، تلاش بر این است تا تخصیص منابع حاصل از هدفمندسازی به موضوع تولید نیز انجام گیرد. بدیهی است با رعایت نکردن سیاست‌ها و استراتژی‌های جدید یا با ادامه وضعیت موجود، چشم‌انداز نگران‌کننده برای امنیت غذایی را می‌توان ترسیم کرد که دارای هزینه‌ها و خسارات گسترده مالی، اجتماعی، بهداشتی، اقتصادی و امنیتی برای کشور خواهد بود. هرچند سیاست‌های حمایتی گستره وسیعی را دربرمی‌گیرد، در نگاهی کلی، این سیاست را می‌توان در دو حوزه زیر جای داد:

الف) سیاست‌های قیمت‌گذاری

ب) سیاست‌های وارداتی

الف) سیاست‌های قیمت‌گذاری

سیاست قیمت‌گذاری محصولات با تأکید بر قیمت‌گذاری محصولات اساسی و کشاورزی، به کار گرفته شده است. اگر این سیاست‌ها به درستی انتخاب و به اجرا گذاشته شود، محصولات غذایی با بهره‌وری بالاتر و هزینه کمتر تولید خواهد شد. اما این سیاست باعث شده است که میزان درآمد کشاورزان محدود شود و انگیزه‌ای برای افزایش تولید وجود نداشته باشد. نمونه تأییدی این نکات را می‌توان در میزان افزایش واردات محصولات

و کالاهای کشاورزی در ایران مشاهده کرد. در سال ۱۳۷۹ به میزان ۱/۳ میلیون تن کالا و محصولات کشاورزی به کشور وارد شد که این رقم در سال ۱۳۸۸ به حدود ۲۰ میلیون تن رسید (گزارش گمرک، ۱۳۸۸). این امر گویای ناصحیح بودن و غیرکارآمد بودن سیاست‌های قیمت‌گذاری در بخش کشاورزی است که لزوم بازنگری و تجدیدنظر نسبت به سیاست‌های قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی را ضروری می‌سازد.

ب) سیاست‌های تعرفه وارداتی

سیاست‌های تعرفه وارداتی محصولات کشاورزی در تمامی کشورها تحت تأثیر متغیرهای مختلف است که از آن جمله باید به سیاست‌های تعرفه‌ای اشاره کرد. عدم انتخاب سیاست‌های تعرفه‌ای مناسب موجب افزایش واردات و چالش در وضعیت تولید داخلی می‌شود؛ بدین معنی که با افزایش قیمت محصولات داخلی (گوشت قرمز، گوشت سفید، برنج، شکر و ...) دولت بلافاصله در سیاست‌های تعرفه‌های گمرکی تجدیدنظر می‌کند و با کاهش تعرفه‌های گمرکی که حتی طی چند بار نیز تکرار می‌شود و همچنین اعمال غلط سیاست‌های تعرفه‌ای ضربات جبران‌ناپذیری به تولید داخلی و تولیدکنندگان وارد می‌سازد.

با کاهش حدود ۱۰۰ درصدی تعرفه واردات شکر در سال ۱۳۸۵، واردات شکر به میزان ۳/۵ میلیون تن افزایش یافت. تصمیم کاهش تعرفه واردات شکر موجب انبوه واردات شکر به میزان حدود سه برابر تولید داخلی شد (گزارش گمرک، ۱۳۸۵) که ضربات سنگینی به زنجیره تولید شکر در کشور وارد کرد. بخشی از آثار سیاست‌گذاری‌های ناصحیح به شرح زیر است:

الف) سطح زیر کشت چغندر قند به یک‌چهارم کاهش یافت.

ب) کارخانجات قند کاهش ظرفیت دادند و تعدادی از نیروها بیکار شدند.

ج) میزان تفاله خشک و تر و ملاس نیز کاهش یافت و در نتیجه کارخانجات الکل و ... با کاهش تولید مواجه شدند.

د) نیروهای کارگری روزمزد، فصلی و دائمی مزارع بیکار شدند.

ه) شرکت‌های بزرگ دولتی نیز دچار بحران نقدینگی و ... شدند که برای رفع نسبی مشکلات از سایر منابع دولت هزینه شد.

و) دلال‌های حرفه‌ای نیز دارای ثروت‌های بادآورده به ازای نابودی تولیدات داخلی و بیکار قشرهای مستضعف شدند.



با توجه به این نکات، برای افزایش ضریب امنیت غذایی باید دو اقدام کلان را انجام داد: در اکثر این سیاست‌های مورد بررسی و شاخص‌های بررسی شده همگی به بخش کمی امنیت غذایی اشاره دارند، در حالی که امنیت غذایی به بحث اطمینان دسترسی به غذا و همچنین کیفیت غذای در دسترس وابسته است. همچنین ارائه یک مدل مناسب برای ابلاغ سیاست‌های امنیت غذایی نیازمند توجه به شاخص‌ها و مؤلفه‌های اسناد بالادستی همچون سند اقتصاد مقاومتی است که پیشتر به آن اشاره شد.

آسیب‌شناسی سیاست‌های امنیت غذایی در ایران

با توجه به تعریف امنیت غذایی، تأمین انرژی و سیری شکم، ملاک تحقق امنیت غذایی نیست، بلکه زمانی امنیت غذایی در یک جامعه محقق می‌شود که غذای عرضه‌شده از نظر سلامت و ترکیبات غذایی از چنان کیفیتی برخوردار باشد که موجب زندگی سالم و فعال در جامعه شود (روحانی، ۱۳۸۹: ۶۲۹). در اکثر سیاست‌های اجرایی توجه اصلی قانون‌گذاران و جامعه هدف بودجه‌های ابلاغی حوزه کمی امنیت غذایی را تحت پوشش قرار داده است، در حالی که در بررسی امنیت غذایی در کشورهای پیشرفته مقوله‌های کیفی و الگوی مصرف صحیح از اهمیت بالایی برخوردار است. علاوه بر این با توجه به شرایط کشور ایران که با تحریم‌های خصمانه دشمنان مواجه است، مقوله اطمینان وجود امنیت غذایی و ثبات قیمتی نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است که توجه کمتری به این مباحث در سیاست‌های امنیت غذایی شده است و اکثریت سیاست‌ها امنیت غذایی را فقط به افزایش تولیدات کشاورزی نسبت می‌دهند که وضعیت برخی از این مؤلفه‌ها به شرح زیر است:

۱. وضعیت الگوی مصرف

وضعیت مصرف محصولات اساسی با متوسط مصرف جهانی، فاصله قابل تأملی دارد. از یک سو در محصولات قندی و نشاسته‌ای متوسط مصرف ایران بالاتر از میانگین جهانی است و از سوی دیگر در حوزه تخم‌مرغ، شیر، ماهی، سبزیجات و میوه، فاصله زیادی بین مصرف ایران و متوسط مصرف جهانی دیده می‌شود که این روند، حکایت از فقدان رویه و سیاستی مشخص در حوزه امنیت غذا و تغذیه دارد و بیانگر ضرورت توجه جدی به تنظیم ساختار تغذیه‌ای کشور معطوف هرم غذایی مطلوب کشور و بهبود ساختار تغذیه‌ای کشور در راستای تأمین درشت مغذی‌ها و ریزمغذی‌های مورد نیاز جامعه کنونی ایران است.

جدول ۲- وضعیت مصرف محصولات منتخب به متوسط مصرف جهانی

محصولات منتخب	نسبت ایران به جهان	سرانه مصرف سالیانه (کیلوگرم)
نان	شش برابر	ایران ۱۶۰ جهان ۲۵
تخم مرغ	یکسوم	ایران ۸-۹ جهان ۲۴
شیر	یکسوم اروپا	ایران ۹۰ جهان ۳۰۰
شکر	شش برابر	ایران ۳۰ جهان ۵
سویا	یکبیستم	ایران ۰.۵ جهان ۱۰
میوه و سبزیجات	یکچهارم	ایران ۳۰ جهان ۱۲۰
ماهی	یکسوم	ایران ۷ جهان ۱۸

منبع: ترازنامه غذایی ایران، در سال‌های ۸۹-۹۰، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی
در جدول ۲ نیز مشاهده می‌شود که الگوی صحیح مصرفی در ایران نسبت به متوسط جهانی فاصله زیادی دارد که این خود حاکی از عدم استفاده از الگوی مصرفی مناسب است و می‌توان گفت یکی از علل اصلی نیاز به واردات این کالاها که از غذاهای اساسی نیز محسوب می‌شوند مصرف بیش از اندازه آنهاست.

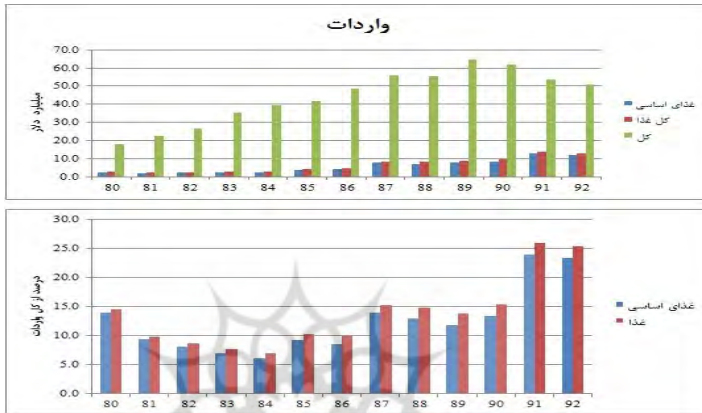
۲. غذای سالم و با کیفیت

مولفه دیگر امنیت غذایی مربوط به عوامل کیفی غذاست که با مصرف بی‌رویه کودهای شیمیایی در حوزه کشاورزی و نیترا ته شدن این محصولات و بالطبع غذای دام‌ها که منبع گوشت کشور هستند، در خطر مسمومیت‌های کود شیمیایی و سموم کشاورزی است تا جایی که کشور توانایی صادرات برخی از محصولات مازاد مصرف خود را به دلیل این مسمومیت‌های ایجاد شده ندارد؛ برای مثال در سال ۱۳۸۸ کشور با حجم زیاد تولید سیب‌زمینی مواجه شد و قیمت این محصول در بازار به قدری کاهش پیدا کرد که ارزش جمع‌آوری این محصول را نیز نداشت زیرا افغانستان و عراق و بالطبع کشورهای پیشرفته‌تر اجازه ورود این محصول را به کشور خود به علت مسمومیت‌های کود شیمیایی و درصد نیترات موجود در این محصول ندادند. علاوه بر این در شهریور ۱۳۹۴ به گزارش سازمان میدان‌های میوه و تره‌بار، قیمت هندوانه به کمتر از ۵۰ تومن رسیده بود که هزینه حمل خود را نیز جبران نمی‌کرد؛ در حالی که باز هم به علت مسمومیت‌های این محصول قابلیت صادرات به کشورهای بزرگ را نداشته است (گزارش سازمان میدان میوه و تره‌بار، ۱۳۹۴).



۳. اطمینان و ثبات عرضه و قیمت مناسب

علاوه بر این موارد، وابستگی زیاد کشور در حوزه غذاهای اساسی به واردات، اطمینان و ثبات عرضه این محصولات را در شرایط تحریم به خطر می‌اندازد و قیمت این محصولات وابستگی شدیدی به واردات و قیمت ارز خواهد داشت. با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از کالاها جزء سبد هزینه‌های خانوار تلقی می‌شود، ابتدا به حوزه سهم غذا در واردات و بودجه خانوار می‌پردازیم تا میزان وابستگی کشور در حوزه غذاهای اساسی را بررسی کنیم.



نمودار ۵ - ارزش واردات غذای اساسی و کل غذا از مجموع واردات طی ۱۲ سال اخیر

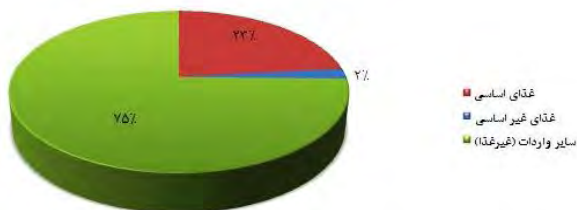
منبع: سایت رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران، اقتباس در سال ۱۳۹۴

نمودار فوق نشان می‌دهد که عمده واردات غذای کشور را غذای اساسی (شامل غلات، روغن‌های نباتی و کنجاله سویا) تشکیل می‌دهد، در حالی که صادرات غذای کشور عمدتاً غذای غیراساسی (میوه) است. در نتیجه کشور از ناحیه واردات غذا به شدت به کشورهای صادرکننده (عمدتاً شامل امارات متحده عربی، سوئیس، هلند و انگلستان) که اکثر این کشورها نیز نقش واسطه مبادلاتی را دارند، وابسته شده است؛ حال آنکه در مسئله صادرات نتوانسته است وابستگی چندانی برای کشورهای واردکننده ایجاد کند. به بیان دیگر، برای کاهش ریسک امنیت غذایی، مناسب است رابطه تجاری به گونه‌ای تعریف شود که میزان وابستگی دو کشور به یک میزان تعریف شود که این موضوع در واردات غذا به معنای اعم و غذاهای اساسی به شکل خاص، رعایت نشده است.

موضوع درخور تأمل دیگر، وابستگی فزاینده واردات کشور به غذای اساسی و سهم آن در کل غذاست که امنیت غذایی را با ریسکی مضاعف مواجه کرده است. در این راستا و با وجود اتخاذ سیاست‌های مختلف در طول برنامه‌های توسعه مبنی بر افزایش ضریب امنیت غذایی از طریق افزایش میزان خودکفایی کشور به محصولات اساسی مورد استفاده جامعه، روندی فزاینده از واردات غذای اساسی دیده می‌شود، به گونه‌ای

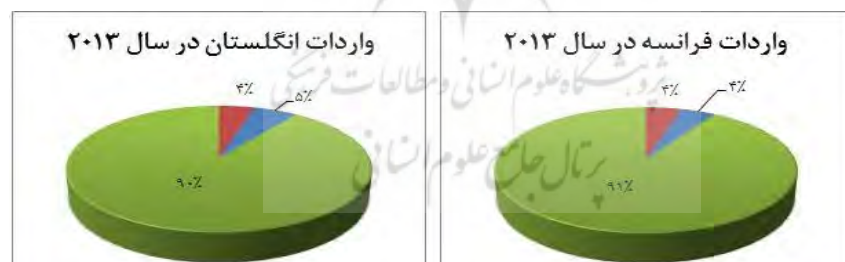
که در سال‌های اخیر نزدیک به ۲۵ درصد از کل واردات کشور به واردات غذای اساسی اختصاص یافته که خود مؤید شدت وابستگی کشور است. برای تبیین دقیق‌تر موضوع، مناسب است سهم واردات غذای اساسی در برخی کشورها از کل واردات آنها بررسی شود.

واردات ایران در سال ۱۳۹۲

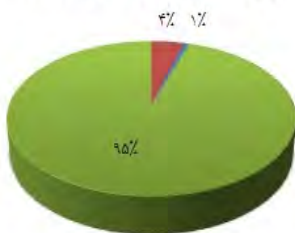


نمودار ۶ - وضعیت واردات غذای اساسی و غیراساسی و سایر واردات ایران در سال ۱۳۹۲

(www.trademap.org)



واردات چین در سال ۲۰۱۳



همان‌طور که در نمودارهای بالا دیده می‌شود، واردات غذا در ایران در سال ۱۳۹۲ بیش از ۵ برابر بسیاری از کشورهای پیشرفته است. روند واردات غذا در ایران نیز حاکی از تغییر سهم واردات غذای اساسی از ۳۰-۱۸ درصد، طی سال‌های مختلف بوده است که در مقایسه با سایر کشورها، حاکی از پایین بودن ضریب امنیت غذایی و ریسک بالای تأمین امنیت غذاهای اساسی از سایر کشورهاست. در این میان، اعمال تحریم‌های ظالمانه از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا و همچنین سازمان ملل بر ایران طی سالیان اخیر نیز به عنوان یکی از گلوگاه‌هایی که مستقیماً امنیت غذا و تغذیه درشت مغذی‌ها و ریزمغذی‌ها به ویژه تأمین دارو را با مخاطره مواجه کرد، به عنوان یک هشدار جدی، تغییر در روند واردات کالاهای اساسی و سیاست‌گذاری در خصوص موضوع امنیت غذای را ضروری ساخته است.

اکثر سیاست‌های بیان‌شده به جنبه کمی امنیت غذایی اشاره کرده‌اند و توجه کمتری به مسائل کیفی شده است. همچنین این سیاست‌ها با توجه به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی اجرا نشده است.

۴. توانایی اقتصادی خرید غذا

مؤلفه اقتصادی امنیت غذایی در ایران به علت رشد روزافزون و بدون توقف تورم در ایران در خطر است. بر اساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، میزان تورم دوازده ماه منتهی به اردیبهشت ۱۳۹۵ نسبت به دوازده ماه منتهی به اردیبهشت ۱۳۹۴ معدل ۱۰,۴ درصد بوده است. همچنین میزان تورم جز موارد معدودی از حالت دو رقمی خارج نشده است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدل مفهومی مطلوب امنیت غذایی مقاوم جمهوری اسلامی ایران

با توجه به نکاتی که بیان شد، مدل مفهومی امنیت غذایی در نمودار زیر مشخص می‌شود. در این مدل شاخص‌های اصلی هر یک از خروجی‌های ضرب مفهومی بیان شده است که باید تمامی این شاخص‌ها به شاخص‌های ریزتر و جزئی‌تر خرد شوند تا حاصل کار هم قابلیت محاسبه را داشته باشد و هم بتواند در راستای افزایش مقاومت امنیت غذایی مؤثر باشد. آنچه در زیر آمده نگاه مقاومتی به معیارهای امنیت غذایی است که باید از آنها به عنوان پیشنهادها پژوهش نیز یاد کرد.

در نمودار زیر تمامی مشخصات و تعاریف رویکردها در شاخصه‌های جهانی معیارهای امنیت غذایی ضرب شده و برای هر یک از رویکردها بر اساس معیار مد نظر، شاخصه مد نظر استخراج شده است. بررسی تمامی این شاخصه‌ها حجم زیادی

از مطلب را دربرمی‌گیرد که درون‌زایی اقتصادی که از مؤلفه‌های مهم امنیت غذایی است، در زیر بیان شده است:

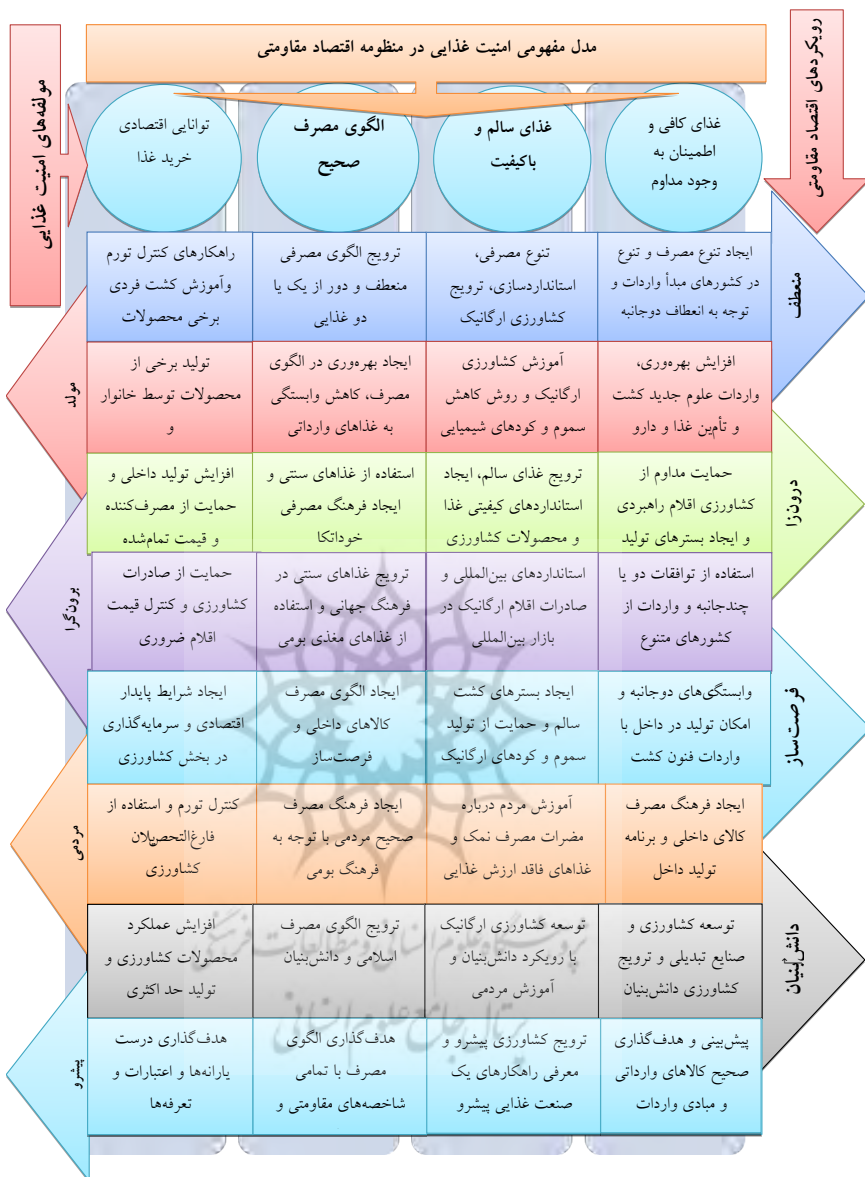
– شاخصه‌های درون‌زایی امنیت غذایی

تعرفه واردات غذا

- حمایت از کشاورزی اقلام راهبردی
 - زمین‌های احیاشده کشور
 - واردات غذا
 - تعرفه صادرات کالاهای غیر راهبردی
 - تعرفه صادرات کالاهای پر مصرف آب
 - برنامه جامع کشت کشور
 - آموزش کشت با بهره‌وری بالا
 - یکپارچه‌سازی اراضی
 - تحقیق در تولید سموم و بذرها و کود
 - تولید ماشین‌آلات صنعتی کشاورزی
 - ذخایر بذر داخلی
 - تورم غذای داخلی
 - بسته‌بندی غذای داخلی
 - ترویج فرهنگ مصرفی غذای داخلی
 - ترویج استفاده از غذاهای سنتی
 - اصلاح الگوی مصرفی و صرفه‌جویی
 - ترویج روحیه کمک به هم‌نوع در شرایط اضطراری و تحریم
 - مبارزه با احتکار محصولات اساسی
 - شناسنامه‌دار کردن انبارهای غذایی و دارویی
 - تولید محصولات ارگانیک داخلی
 - شناسنامه‌دار کردن تمامی محصولات داخلی و رده‌بندی آنها
 - ترویج استفاده از محصولات استاندارد
 - نظارت بر مبادی تولید غذا در داخل کشور
- باید تمامی این شاخصه‌ها در راستای تقویت درون‌زایی پیشرفت کند.



مدل مفهومی امنیت غذایی در منظومه اقتصاد مقاومتی



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پس از بررسی رویکردهای اقتصاد مقاومتی بازبینی تعاریف و شاخص‌های امنیت غذایی و سیر تحول و تطور این شاخص‌ها و رسیدن به تعریفی جامع در امنیت غذایی کشور، در بخش سوم به بررسی قوانین حوزه امنیت غذایی و ارگان‌های ذی‌ربط اشاره شده است و پس از نقد و بررسی اجمالی این سیاست‌ها در بخش چهارم و پنجم، مدل

مطلوب امنیت غذایی جمهوری اسلامی ایران در منظومه اقتصاد مقاومتی با توجه به بخش‌های قبلی ارائه شده است.

در مدل مفهومی امنیت غذایی آنچه اهمیت زیادی دارد، ترکیب مؤلفه‌های امنیت غذایی با رویکردهای اقتصاد مقاومتی است که نوآوری این مقاله محسوب می‌شود. همچنین باید همان‌گونه که در درون‌زایی اقتصادی بررسی شد، شاخصه‌های مرتبط نیز استخراج شود که پیشنهاد می‌شود در یک گزارش جامع تمامی خروجی‌های به دست‌آمده از این ترکیب توسط محققان هر یک از حوزه‌ها بررسی شود و در دو بخش خرد و کلان توصیه‌های مربوط استخراج گردد؛ زیرا در مدل مفهومی مذکور نتایج بیان‌شده به صورت مؤلفه‌های اصلی مورد توجه قرار گرفته است که باید مطالعات جامعی در راستای تدوین برنامه‌های جامع و حرکت به سمت شاخص‌سازی و مبتنی بر الگوی امنیت غذایی مقاومتی جهت تحقق بند هفتم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی انجام گیرد.

منابع فارسی

- ابریشمی، حمید و منظور داوود (۱۳۷۸)، «تحلیل مقایسه‌ای الگوی رشد نئوکلاسیک و درون‌زا»، تهران، فصلنامه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران.
- الفتی، سمن و النا بابایی (۱۳۸۱)، «بررسی مدل رشد درون‌زا در اقتصاد ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش ۵.
- بخش بیانات و ابلاغیه‌های مقام معظم رهبری، سایت مقام معظم رهبری به آدرس: <http://farsi.khamenei.ir/speech?nt=32>
- پیغامی، عادل (۱۳۹۲)، «یادداشت با عنوان درون‌زایی اقتصادی»، سایت khameniei.ir صفحه اقتصاد مقاومتی.
- پیغامی، عادل، مصطفی سمیعی نسب، یاسر سلیمانی و سعید سید حسین زاده یزدی (۱۳۹۴)، جستارهایی در اقتصاد مقاومتی: تحریم‌های اقتصادی ایران، مبانئ، ابعاد و راهکارها، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- جعفری ثانی، مریم و محمد بخشوده (۱۳۸۶)، «مقایسه فقر و ناامنی غذایی خانوارهای روستایی و شهری در استان خراسان»، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی، مشهد: انجمن اقتصاد کشاورزی ایران.
- حسینی، آسیه (۱۳۸۸)، برآورد امنیت غذایی در ایران و سنجش کمی آن در مواجهه با بحران اقتصادی جهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران.



- خداپرستی، فرج الله (۱۳۷۶)، فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی، انتشارات دانشنامه فارس.
- خداداد کاشی، فرهاد و خلیل حیدری (۱۳۸۳)، «برآورد سطح امنیت غذایی خانوار ایرانی بر اساس شاخص AHFSI»، اقتصاد کشاورزی، ۱۲ (۴۸).
- خضری، محمد (۱۳۸۳)، «امنیت غذایی و امنیت ملی»، نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱-۱۳۴۲)، لغت‌نامه دهخدا، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- دینی ترکمانی، علی (۱۳۷۶)، امنیت غذایی و برآورد آن در ایران، بررسی و تحلیل سیاست‌های جاری مرتبط با امنیت غذایی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- سلیمانی، یاسر، حامد صابر و امید قاسمی (۱۳۹۳)، «چارچوب مفهومی مقاومت در قرآن کریم و دلالت‌های آن برای اقتصاد مقاومتی»، کتاب مجموعه مقالات همایش اقتصاد مقاومتی از منظر دین، نشر کتابدار.
- سمیعی نسب، مصطفی و زهرا سلامی (۱۳۹۳)، «رویکرد جهادی در منظومه گزاره‌های دینی»، کتاب مجموعه مقالات همایش اقتصاد مقاومتی از منظر دین، نشر کتابدار.
- سمیعی نسب، مصطفی، یاسر سلیمانی و سعید سید حسین زاده یزدی (۱۳۹۲)، بررسی اقتصاد مقاومتی با استناد به منابع اسلامی (اصول، اهداف، راهبردها و سیاست‌ها)، کمیسیون مطالعات اسلامی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- شیرانی بیدآبادی، فرهاد و سینا احمدی کلیجی (۱۳۹۲)، «کاربرد شاخص تنوع غذایی در بررسی وضعیت امنیت غذایی مناطق روستایی ایران»، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۶ (۲).
- عابدی جعفری، حسن، محمد سعید تسلیمی، ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ زاده (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، س ۵، ش ۲، شماره پیاپی ۱۰.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تألیف و ویرایش: فرهاد قربان زاده، انتشارات اشجع.
- قریب، حسین (۱۳۹۱)، «چشم‌انداز امنیت غذایی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد ۲۱ (۶۵).
- مهرابی بشرآبادی، حسین و حمیده موسوی محمدی (۱۳۸۹)، «آثار سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی در ایران»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۸ (۷۰).
- مهرآبادی بشرآبادی، حسین و عبدالحسین اوحدی (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در ایران»، ویژه‌نامه اقتصاد کشاورزی، صص ۱۲۱-۱۱۱.

منابع لاتین

- Burchi, F., and De Muro, P. (2012), "A Human Development and Capability Approach to Food Security: Conceptual Framework and Informational Basis", United Nation Development Program (UNDP).
- FAO (1983), *Security a Reappraisal of the Concepts and Approaches*, Italy: Director Generals Report, FAO.
- FAO (1996), "Declaration on World Food Security and World Food Summit Plan of Action", World Food Summit, Italy.
- Heslot, S. (2014), Iran's Food Security, Global Food and Water Crises Research Program.
- Hoddinott J. (1999), "Operationalizing Household Food Security in Development Projects: An Introduction", *Technical Guide*, No.1, International Food Policy Rsearch Institute, Washington.
- Makes Veil (2011), *Technical Guide*, No.1, International Food Policy Rsearch Institute, Washington.
- Mawell S., Frankenberger T. (1992), Household Food Security: Concepts, Indicators, Measurements, Italy.
- Mawell, S. (1996), "Food Security: A Post-Modem Perspective", *Food Policy*, 21(2).
- Olander, C., Burstein, N., and Hamilton, W., (2005), Assessing the Food Security and Diet Quality Impacts of FNS Program Participation, United State Department of Agriculture, Food and Nutrition Service.
- Oshagh (2010), "Food Security: A Post-Modem Perspective", *Food Policy*, 22(2).
- Pieters, H., Guariso, A., and Vandeplas, A., (2013), Conceptual Framework for the Analysis of the Determinants of Food and Nutrition Security, European Union's Seventh Framework Program.
- Sen, A., (1981), *Poverly and Famines: An Essay on Entitlement and Deprivation*, Oxford Clarendon Press.
- Thomas Robert Malthus (1974), United Nations Report of the Word Food Conference, Italy.